

تاریخ مغول

تألیف:

عباس اقبال آشتیانی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۸۹

۲۸۱ فصل هفتم. سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک مغولان با کشورهای همسایه
۲۸۱ ۱. روابط مغولان با چین (۲۵۱-۱۸۱۶)
۲۸۲ ۲. روابط مغولان با هند (۲۵۹-۱۵۱۹)
۲۸۲ ۳. روابط مغولان با ایران (۲۵۹-۱۵۱۹)
۲۸۲ ۴. روابط مغولان با روسیه (۲۵۹-۱۵۱۹)

۲۸۲ فصل نهم. نظام اداری و نظام قضایی مغولان
۲۸۲ ۱. نظام اداری
۲۸۲ ۲. نظام قضایی
۲۸۲ ۳. نظام مالی
۲۸۲ ۴. نظام نظامی
۲۸۲ ۵. نظام آموزشی

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف ۹
فصل اول. مجملی از احوال ممالک آسیا مقارن استیلای مغول ۱۵
اوضاع جغرافیایی آسیای مرکزی و شرقی ۱۵
فصل دوم. تشکیل دولت مغول ۲۹
ظهور چنگیزخان ۲۹
فصل سوم. سیاست چنگیز و اثرات حمله مغول ۸۵
حکمت تاریخ در باب چنگیز ۸۵
فصل چهارم. سلطنت جانشینان چنگیز تا ایام فرماندهی هولاکو ۱۲۷
سلطان جلال‌الدین در هند ۱۲۷
سلطنت اوگتای قاآن از ۶۱۶ تا ۶۳۹ ۱۵۱
سلطنت گیوک خان و از ۶۳۹ ۱۶۷
نیابت سلطنت مادرش تا ۶۴۷ ۱۶۷
سلطنت شعبه دوم خاندان چنگیزی منگوقاآن (۶۴۸-۶۵۷) ۱۷۰

۱۸۱	فصل پنجم. لشکرکشی هولاگو به ایران و انقراض خلافت عباسی
۱۸۱	حکومت ایران در عهد مغول تا هولاگو (۶۱۸ - ۶۵۴)
۱۸۶	مأموریت هولاگو و دفع اسمعیلیه از ۶۵۱ تا ۶۵۴
۱۹۳	فتح بغداد و انقراض خلافت عباسی از ۶۵۵ تا ۶۵۶
۲۱۵	فصل ششم. سلاطین مغول ایران یا ایل خانان (۶۶۳ - ۷۵۶)
۲۱۶	سلطنت اباقاخان از ۶۶۳ تا ۶۸۰
۲۳۵	سلطنت سلطان احمد تگودار از ۶۸۱ تا ۶۸۳
۲۴۲	سلطنت ارغون خان از ۶۸۳ تا ۶۹۰
۲۵۸	سلطنت گیخاتوخان از ۶۹۰ تا ۶۹۴
۲۶۵	سلطنت بایدو خان از جمادی الاولی ۶۹۴ تا ذی القعدة ۶۹۴
۲۷۱	فصل هفتم. ایل خانان ایران (بقیه)
۲۷۱	سلطنت سلطان محمود غازان خان از ۶۹۴ تا ۷۰۳
۳۱۸	سلطان محمد خدا بنده اولجایتو از ۷۰۳ تا ۷۱۶
۳۳۶	سلطنت سلطان ابوسعید بهادر خان از ۷۱۶ تا ۷۳۶
۳۵۸	ایل خانان آخری
۳۷۲	فهرست اسامی ایل خانان ایران از ۶۵۱ تا ۷۵۶
۳۷۵	فصل هشتم. فترت بین دوره ایل خانی و دوره تیموری
۳۷۷	۱- ملوک کرت
۳۸۹	آل کرت
۳۹۰	۲- اتابکان فارس و ملوک شبانکاره
۴۱۰	اتابکان فارس
۴۱۱	ملوک شبانکاره
۴۱۱	۳- اتابکان یزد
۴۱۳	اتابکان یزد

۴۱۴	۴- قراختائیان کرمان
۴۲۰	قراختائیان کرمان
۴۲۱	۵- خاندان اینجو و آل مظفر
۴۵۲	آل مظفر
۴۵۲	۵- امرای لرستان
۴۵۸	اتابکان لر بزرگ
۴۶۱	امرای لر کوچک
۴۶۲	۶- چوپانیان
۴۶۴	امرای چوپانی
۴۶۴	۷- امرای ایکانی یا آل جلایر
۴۷۴	امرای ایلکانی یا آل جلایر
۴۷۴	۸- سرداران و طغاتیموریه
۴۸۵	سرداران
۴۸۶	امرای طغاتیموری
۴۸۷	فصل نهم. تمدن و معارف و صنایع در عصر استیلای مغول
۵۰۱	منابع دیگر
۵۰۳	علوم و ادبیات
۵۰۵	۱- علما و عرفا و حکما
۵۱۸	۲- نویسندگان و مورخین
۵۳۶	۳- شعرا
۵۵۸	صنایع و ابنیه آثار
۵۶۱	صنایع دیگر
۵۶۵	معماری و ابنیه
۵۶۹	روابط تجارتي
۵۷۱	طرق تجارتي عمده
۵۷۴	تجارت
۵۷۹	فهرست اعلام

فصل اول

مجملی از احوال ممالک آسیا مقارن استیلاي مغول

اوضاع جغرافیایی آسیای مرکزی و شرقی

آسیای مرکزی و شرقی از دریای اُخْتُسْک^۱ تا بحر خزر ناحیه وسیعی است دارای عوارض جغرافیایی مختلف از کوه و دشت و نجد و صحرا و دره‌های خرم حاصلخیز ولی غلبه کلی با صحاری و ریگزارها و مرتفعات صعب العبور است به همین جهت جمعیت این ناحیه پهناور چندان زیاد نیست و اگر در دو طرف آن ممالک متمدن با اعتباری مثل چین و ایران قرار نداشت یقین بود که سرزمین مزبور هیچ‌گاه مقامی را که در قرون گذشته در تاریخ آسیا داشته دارا نمی‌شد و از مردم آن که غالباً به چادرنشینی و صحراگردی روزگار می‌گذاشته‌اند چندان سخنی به میان نمی‌آمد.

این ناحیه که قسمت عمده آن با ممالک اروپای مرکزی و دریای مدیترانه هم عرض است از طرف مشرق بنجد منجوری و کوه‌های خینگان^۲ کبیر و دیوار عظیم چین محدود می‌شود و حد غربی آن چنان‌که مشخص کردیم دریای مازندران یعنی بحر خزر است. در شمال این ناحیه دشت وسیع سیبری است که به واسطه پهناوری و سرمای سخت و قلت جمعیت و عدم آبادی هیچ‌وقت مورد توجه اقوام مهاجر آسیای شرقی و مرکزی قرار نگرفته و حتی تا اوایل قرن بیستم میلادی یعنی تا تاریخ انشاء خط آهن سرتاسری سیبری نیز چندان مسکون و آباد نبوده و وسیله و موضوع جالبی برای رفت و آمد مردم به آن دیار وجود نداشته است.

1. Okhotsk

2. Khingan

در سمت جنوب نجد وسیع مرتفع تبت و جبال عظیم و جسیم هیمالیا است که با وجود داشتن بعضی معابر به هیچ وجه برای سیر و عبور و مرور مساعد نیست بخصوص که آب و هوای آن شدید و راه کم و محظورات کلی قدم به قدم در پیش است و همین کیفیات نگذاشته است که بین دو مملکت متمدن قدیم العهد چین و هندوستان از این طریق چنان که باید معاملات و روابط کافی برقرار شود و سکنه این دو کشور به آسانی تبادل افکار و تعاطی معارف و معلومات کرده باشند و با هم مخلوط و مرتبط بشوند.

نتیجه این وضع این شده است که از قدیم ترین ازمنه تاریخی مهاجرت ها و هجوم ها و رفت و آمدهای سکنه این قسمت از آسیای شرقی و مرکزی غالباً در جهت عرض جغرافیایی بلاد خود بوده و چنان که خواهیم دید در میان این جماعت اکثریت با صحرا گردان و بیابان نشینان است و ایشان هم همه وقت محتاج و آرزومند دست یافتن بر نواحی آباد پر نعمت بوده هر وقت توانسته اند به یکی از دو جانب مسکن خویش یعنی یا به چین و یا به ایران حمله برده و دائماً هستی این ممالک و خوشی و سعادت سکنه شهرنشین متمدن این دو سرزمین را مورد تهدید و معرض خطر قرار داده اند. به علاوه چون این دو قوم متمدن به داشتن ارتباط با یکدیگر و معاملات تجارتي و روابط سیاسی احتیاج داشته و راه ارتباط ایشان هم از مساکن و بیورتهای این مردم بیابانی چادرنشین بوده است. چینی ها از طرفی و ایرانی ها از طرفی دیگر خواهی نخواهی برای باز نگاه داشتن راه ارتباط به ممالک یکدیگر مجبور بوده اند با این اقوام دست و پنجه نرم کنند و یا با دادن باج و خراج و حفظ مناسبات دوستانه طرق کاروانی بین آسیای شرقی و غربی را مصون و دایر نگاه دارند.

ناحیه وسیع مذکور در فوق را از جهت میزان پستی و بلندی به دو قسمت مشخص می توان تقسیم کرد: یکی دشت های کم ارتفاع سیبری جنوب غربی و ترکستان^۱ واقع در میان نجد ایران و نجد پامیر و سلسله کوه هایی که در دنباله این نجد اخیر به موازات یکدیگر تا حدود دریاچه بایکال^۲ کشیده می شود. دیگر قسمتی که بین این رشته کوه ها و دیوار چین و کوه خینگان کبیر قرار یافته و مرکب از چند دشت بی آب و علف ریگزاری

است با ارتفاعات بالنسبه زیاد که اطراف هر کدام از آنها را یکی دو رشته کوه گرفته است. مهم ترین این نواحی دشت مغولستان است در شمال بین کوه های خینگان کبیر و سلسله جبال یابلونئی^۱ و کوه های آلتائی^۲ که به وسیله دشت گبی^۳ به صحرای دزونگاری^۴ بین کوه های آلتائی و تیانشان^۵ و به دشت ترکستان شرقی و نواحی ختن و کاشغر (محصور بین جبال تیانشان و... قراقروم) و گوئن لن^۶ می پیوندند.

در دره های این جبال و دامنه های آنها غالباً در فصول بارانی و مواقع ذوب برف های قتل مرتفع علف های فراوان می روید و غیر از واحات حوالی رودخانه ها و دره های جبال جنوبی تر که به واسطه اعتدال نسبی آب و هوا و نزدیکی به ممالک متمدن مجاور استعداد شهر شدن و سکونت دادن مردم در آنها فراهم است بقیه اراضی بیورتهای صحراگرد است که بیشتر اوقات در دنبال علف و هوای ملایم تر در حرکتند به همین علت هم مقام و محل ثابتی ندارند.

راه طبیعی این دو قسمت شرقی و غربی به یکدیگر معابری است که بین کوه های متوازی واقع در فاصله میان دریاچه بایکال و نجد پامیر وجود دارد و از آنها از همه وسیع تر و برای عبور آسان تر معبر بین جبال آلتائی و کوه های تیانشان است که نهر ایژی^۷ از شب شط آب^۸ از آن می گذرد اما معابری که در کوه های تیانشان افتاده و راه ارتباط نجد پامیر به دشت ترکستان و نجد ایران از میان آنها است همه تنگ و به همین مناسبت استفاده از آنها مشکل است.

نجد پامیر که به سبب ارتفاع زیاد، فارسی زبانان مجاور آن را بام دنیا لقب داده اند در حقیقت نجدی هموار نیست بلکه عقده کوهستانی آسیای مرکزی است و نقطه ای است که چند رشته کوه و یک عده رودخانه و شط از آن ابتدا و به جهات چند متوجه می شوند. کوه های مهمی که منشاء آنها این عقده کوهستانی است در شمال جبال تیانشان است که از حوالی سمرقند تا داخله ترکستان چین امتداد دارد و در جنوب کوه های گوئن لن و قراقروم و هیمالیا که همه به موازات یکدیگر در جهت شمال غربی به جنوب شرقی بین نجد تبت و جلگه های سند و گنگ کشیده شده و از دره های بین آنها هر کدام یک شط جاری است. در طرف مغرب دو رشته کوه از پامیر شروع می شود یکی سلسله هندوگو^۹ یا

۱. در این مقدمه جغرافیایی هر جا ذکر ترکستان و افغانستان می شود مقصود آن نواحی است که امروز آنها را به این اسامی می خوانند نه وسعت و مفهوم تاریخی آنها.

2. Baikal

1. Iablonoï 2. Altaï 3. Gobi 4. Dzungari
5. Thian chan 6. Kuen Lun 7. Irtich 8. Ob = Obi